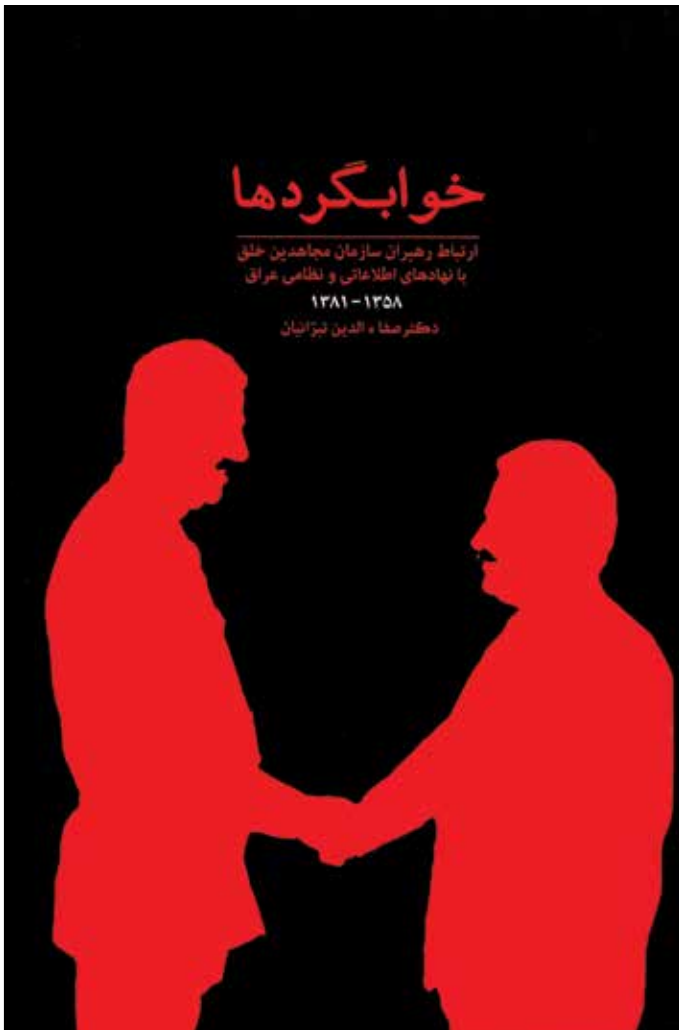


# به وقت وطن فروشی

مروری بر کتاب **خواب گردها** و نقش منافقین در جنگ تحمیلی



امین محمدی زاد

روزنامه نگار

سازمان مجاهدین خلق با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران موضع فریبکارانه‌ای را اتخاذ کرد؛ بدین ترتیب که در اعلامیه‌های آغازین خود، ضمن محکوم کردن تجاوز عراق، حضور نیروهای خود را در جبهه‌های جنگ به خواست مقامات کشور منوط دانست! این سازمان در حالی مدعی حضور در جبهه‌ها بود که اساساً در تحلیل‌هایش این جنگ را جنگی ارتجاعی و ناعادلانه می‌دانست؛ اعضای آن با نادیده گرفتن این که عراق آغازگر تهاجم به ایران بوده و انگار که یک گروه غیرایرانی است، انگیزه ایران از این جنگ را نه دفاع از کشوری که مورد حمله واقع شده بود، بلکه صدور انقلاب و همچنین انگیزه عراق را، شکل‌گیری جریانی قطبی در منطقه دانستند! منافقین بهترین و آسان‌ترین مسیر برای نفوذ به داخل ایران را در مرزهای عراق جست‌وجو می‌کردند و در فکر این بودند که با بهره‌گیری از کمک‌های مالی و تسلیحاتی عراق می‌توانند توان مبارزاتی خود را در برابر نظام اسلامی ایران افزایش دهند. به دنبال این سیاست پایگاه‌های منافقین که تعداد آن‌ها ۱۷ پایگاه اعلام شده بود، در دل خاک عراق و در نزدیکی مناطق مرزی این کشور با ایران تأسیس شد. اصلی‌ترین پایگاه آن‌ها به نام «اشرف» در ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی بغداد واقع شده بود. فعالیت‌های منافقین در خلال جنگ تحمیلی هشت‌ساله را می‌توان اعزام گروه‌هایی برای انجام عملیات ترور و خرابکاری به‌ویژه ترور رزمندگان و فرماندهان نظامی در داخل ایران، جاسوسی از تحرکات نظامی ایران، انجام تبلیغات مسموم از طریق رادیوی اختصاصی این گروه در عراق و نیز شایعه‌سازی برای تحت‌الشعاع قرار دادن حمایت‌های مردمی از جبهه‌ها دانست. منافقین در طول جنگ، ششصد مکالمات بی‌سیم و تلفنی نیروهای ایرانی را انجام می‌دادند و همچنین در سرکوب شیعیان و کردهای عراق از سوی رژیم بعث نقش مهمی داشتند.

اما وقتی سران سازمان مجاهدین خلق با مسئولان بلندپایه سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم بعث عراق جلسات مخفیانه برگزار می‌کردند، هرگز فکر نمی‌کردند که از آنها فیلم گرفته می‌شود و روزی منتشر خواهد شد؛ حالا پس از سال‌ها این اسناد و صحبت‌های این جلسات نخستین‌بار در کتاب «خواب گردها» منتشر شده است. صفاالدین تبرائیان، نویسنده و تدوین‌کننده کتاب می‌گوید این اثر شامل نشست‌های مسعود رجوی با دو تن از روسای اصلی‌ترین نهادهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم صدام و اسنادی بسیار مهم است. پس از سقوط صدام که سازمان‌های امنیتی به اشغال مبارزان عراقی درآمدند، اسناد زیادی از جمله اسنادی که در کتاب «خواب گردها» آمده است، کشف شد. اقدام منافقین در افشای

مسائل هسته‌ای ایران هم جزو آخرین اسنادی است که در کتاب آمده است. تبرائیان می‌گوید بخش جاسوسی در جبهه و جنگ، تکان‌دهنده‌ترین قسمت کتاب است؛ در این قسمت با شور و شوق زیادی از مبارزان منطقه گیشا در تهران صحبت می‌شود. بر اساس اسناد این کتاب، به محض اینکه فرماندهان نظامی جابه‌جا می‌شدند، این جابه‌جایی به اطلاع مقامات عراقی می‌رسید. در عملیات مرصاد هم خانمی به نام «آذر جمشیدی» معروف به فرمانده آذر که در تنگه چهارزبر زمین گیر می‌شود، عازانه از نیروی هوایی عراق درخواست می‌کند که منطقه را بمباران شیمیایی کند. هر کس به صفتی و یا چیزی شناخته می‌شود و سازمان مجاهدین خلق هم با نفاق و ترور؛ چه سندی محکم‌تر از ۱۷ هزار بی‌گناهی که به دست آنها ترور شدند؟ در نهایت سازمانی که برای

## مجاهدین در آینه تاریخ

۱

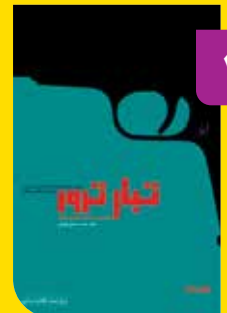


■ علی اکبر راستگو  
■ مرکز اسناد انقلاب اسلامی

سازمان مجاهدین خلق که به درستی به نام منافقین خوانده می‌شود، دارای ابعاد کاملاً جنایت‌بار است. ساختارهای درونی سازمان مجاهدین خلق و لایه‌های پنهان منافقین در این کتاب به خوبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این کتاب با پرداختن به گذشته سازمان و انشعابات آن به عنوان یک ناظر بی‌طرف و بدون هیچ سوگیری، نمای کلی از مجاهدین را به تصویر کشیده است.

## تبار ترور

۲



■ محمدصادق کوشکی  
■ مرکز اسناد انقلاب اسلامی

نظام جمهوری اسلامی و شهروندان آن قربانی وسیع‌ترین حرکت سازمان‌یافته تروریستی شدند که در قالب «سازمان مجاهدین خلق» نظام‌یافته بود و به اشکال مختلف از سوی دولت‌های غربی مورد حمایت قرار می‌گرفت. اثر حاضر گام کوچکی در مسیر اثبات پژوهش‌گرانه و مستند و گوشه‌هایی از فعالیت‌های تروریستی سازمان مجاهدین خلق در گستره جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران، براساس اسناد درون سازمانی است.

## خداوند اشرف از ظهور تا سقوط

۳



■ سیدحجت سیداسماعیلی  
■ مرکز اسناد انقلاب اسلامی

رهبری مجاهدین با عینک انقلاب ایدئولوژیک هویت انسان‌ها را به عنوان مقوله‌ای یک‌دست تحت‌تأثیر عقاید قرون وسطایی و فرقه‌ای خود قرار داد. در حالی که این هویت «خالص و ناب» هرگز واقعیت تاریخی نداشت و برگرفته از آگاهی‌های ناقص از اسلام و مارکسیسم بود که لاجرم رجوی را وادار به تبعیت از یک ایدئولوژی التقاطی می‌کرد در ریشه، از همان اصول بنیادگرایی که بر تاروپود تشکیلات مجاهدین حاکم بود، نشأت می‌گرفت.